



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۰۱

ضیا مفلح

چرا افغانستان با نشست مسکو موافق نبود؟

قرار بود به تاریخ 4 سپتامبر سال جاری نشستی با حضور 12 کشور و گروه طالبان به میزبانی کشور روسیه در مسکو برگزار شود اما حکومت افغانستان اعلان کرد که در این نشست شرکت نمی کند و دلیل آن را عدم پایبندی طالبان به اجماع بین المللی و منطوقی در مذاکره رو در رو و مستقیم با حکومت افغانستان خواند.

از دید حکومت افغانستان، فارمت و شکل نشست مسکو با فیصله های نشست دوم کابل و نشست تاشکند در سال جاری که نماینده روسیه نیز آن را تایید و حمایت کرده بود، متفاوت بود و در مورد چنین فارمتی از قبل صحبت و توافق صورت نگرفته بود. در اطلاعیه حکومت افغانستان آمده بود که با توجه به این دلایل، حضور افغانستان در این نشست غیر ضروری و بی فایده است ولی از اینکه روسیه برای تامین صلح در افغانستان و منطقه تلاش دارد، حکومت افغانستان از آن کشور سپاس گذار است.

به تعقیب خود داری افغانستان از اشتراک در نشست مسکو، ایالات متحده امریکا نیز دعوت روسیه را نپذیرفت و دلیل آن را عدم دخیل بودن افغانستان در مدیریت این نشست خواند. عدم اشتراک این دو مهمان مهم، سبب شد که لاروف وزیر خارجه روسیه به رییس جمهور غنی تماس بگیرد و بخاطر عملی کردن دیدگاه افغانستان، از تاخیر در برگزاری این نشست خبر بدهد.

مدیریت مشترک کنفرانس صلح مسکو و تاخیر در برگزاری آن

رییس جمهور غنی در این تماس تلفنی صریحاً چهار چوب صلح افغانستان که در کنفرانس دوم کابل مورد توافق قرار گرفت را یاد آور شد و خواستار پایبندی کشورها به حمایت از این چهارچوب شد. لاروف نیز پذیرفته است که کنفرانس باید با مدیریت مشترک هر دو کشور صورت بگیرد و به همین منظور، تا اطلاع ثانوی به تاخیر می افتد.

افغانستان به این باور است که فارمت نشست مسکو با تمام توافقات قبلی منطقه ی و جهانی در مورد پروسه صلح افغانستان نه تنها متفاوت است بلکه می تواند متضاد هم باشد و به همین دلیل لازم است که تلاشهای کشورهای منطقه جهت تامین صلح و ثبات در افغانستان، در چهار چوب همان توافقات قبلی میان کشورهای همکار و ذیدخل در بحران افغانستان باشد.

چرا افغانستان موافق این نشست نبود؟

نشست مسکو و حضور طالبان در این نشست پرسشهای زیادی در نزد مردم افغانستان، حکومت و جامعه جهانی به وجود آورد؛ طالبان که در اشتراک در نشست های علمای جهان در عربستان سعودی و نشست علمای افغانستان، پاکستان و اندونیزیا خود داری کرده بود، اکنون چگونه و به چه دلیلی در نشستی اشتراک می کرد که میزبان آن متهم به حمایت از طالبان است و گفته می شود در تداوم جنگ افغانستان احتمالاً نقش دارد؟ از همه مهمتر اینکه طالبان به عنوان یک حکومت در سایه، در این کنفرانس دعوت شده بود و آیا این یک اهانت اشکار به افغانستان نبود؟ چرا نشست مسکو در استانه دیدار مقدماتی اعضای دفتر طالبان در قطر با برخی از کارمندان وزارت خارجه امریکا راه اندازی می شد و چرا حکومت افغانستان تنها به عنوان مهمان باید در این کنفرانس شرکت می کرد و از چند و چون آن اطلاعی نداشت؟ آیا هدف مسکو واقعا کمک به تامین صلح ثبات افغانستان بود یا مانور قدرت به افغانستان و متحدانش؟ و...؟

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

این سوالات به گونه‌ی سبب نگرانی و بی‌علاقگی افغانستان به این نشست شد و عملاً آن را اقدام بی‌نتیجه برای صلح و ثبات در افغانستان تلقی کرد و به همین دلیل، از شرکت در این نشست سرباز زد.

نتیجه این مخالفت

اکنون این نشست تا اطلاع ثانوی به تأخیر افتاده است و خواست‌ها و پیشنهادات و نگرانی‌های حکومت افغانستان در نظر گرفته شده است؛ قرار است این نشست با مدیریت و رهبری مشترک افغانستان و روسیه برگزار شود و اکنون افغانستان تنها مهمان این نشست نیست بلکه یکی از میزبان‌ها و دارای صلاحیت در ماهیت و برنامه‌های این کنفرانس است. صلاحیت افغانستان در تصمیم‌گیری دارای نتایج ذیل است:

افغانستان عملاً با استفاده ابزاری کشورها از گروه‌های مسلح مخالف است و در این راستا قاطعانه عمل خواهد کرد

گرفتن ابتکار صلح توسط کشورهای خارجی به نوع افغانستان را بیشتر در جنگ تضاد منافع کشورهای مختلف کشانده و سرنوشت گفتگوهای صلح را از مسیر واقعی منحرف می‌سازد و باید این ابتکار در اختیار افغانستان باشد و

بس

مخالفت افغانستان با فرمت قبلی نشست مسکو این پیام را به منطقه رساند که بدون مشارکت افغانستان هیچ تصمیم‌گیری و فیصله‌ی در قسمت افغانستان موفق و عملی نخواهد بود.

این پیام به مخالفان مسلح نیز داده شد که بدون گفتگوی مستقیم با حکومت و مردم افغانستان راه‌های دیگر اشتباه است و تنها موجب طولانی‌تر شدن بحران در کشور می‌گردد. شاهد آن هستیم که با حاکمیت تفکر منفعت‌گرایانه در غرب، دید متعصبانه‌ای در مقابل بیگانگان ایجاد شده است و با اوج‌گیری تعصبات نژادی و فاشیستی و نادیده‌انگاری حقوق اقلیت‌ها، غربی‌ها به ناچار، بزرگترین راه‌حل این بحران را عدم تنوع نژادی و قومی در سرزمین‌های خویش معرفی می‌کنند. در حالی‌که زمانی بود که در جهان اسلام از اندلس الی بنگال صدها قوم تحت چتر واحد نظام اسلامی در آرامش خاطر زندگی می‌نمودند و آن اروپایی‌هایی‌که به سبب هراس، جزم‌اندیشی و کشتار مذهبی که در سرزمین‌های‌شان حاکم بود به دارالاسلام پناه آورده و در امان و اطمینان کامل قرار می‌گرفتند. غرب نباید فراموش کند و مسلمانان این مرز و بوم، که از تاریخ اسلام بریده‌اند و دل به جانان فریب‌کار بسته‌اند، نباید احساس به راه‌حل‌های اسلامی و تکرار تاریخ را از دست دهند.

ببایند و آن تاریخ طلایی اسلام را که همه از هر تبار، نژاد و مذهب با هویت واحد، تحت پرچم واحد زندگی می‌نمودند را تکرار نموده و با پشت نمودن به افکار پُک و میان‌خالی، بحران هویت را خاتمه بخشیده، شیرهای نفاق را در پستان‌های این گاوها خشک نموده و با زایل نمودن سیاست‌های قومی-استعماری و برگشت به هویت و منبع اصلی خویش، بزرگترین حاکمیت اسلامی را دوباره در تاریخ بشریت همچو بشارت بزرگ فکری و عملی رقم زنند.